

جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی (ع)

«سلام بر مهدی امّتها و یکی کننده ملتها، سلام بر قائم منتظر و عدل همه جاگستر، سلام بر بهار زندگی انسان و طراوت روزگاران، سلام بر مهدی که خدا آمدنش را به امّتها توید داده است تا همه را به دست او پیرو یک دین سازد و طرح اتفاق اندازد...»^(۱).

مقدمه

مهدویت و جهانی شدن، هر دو، از جمله مباحث و دغدغه‌های مهم روزگار ماست و اعتقاد به ظهور یک منجی جهانی موعود، یک باور دینی فراگیر در بین انسانها بوده است، به طوری که در ادیان مختلف چنین اعتقادی به نحو ملموس و بارزی تجلی یافته است و منجی یادشده، با تعابیر مختلفی چون «کالکی» در آیین هندو، «مسیحا» در یهود و مسیحیت، «سوشیانت» در زرتشت و در نهایت «مهدی(ع)» در فرهنگ اسلامی یاد شده است. بنابراین فکر ظهور مصلح بزرگی که انسان را از دردها و محنت‌ها رهایی بخشد و به انسانیت مدد رساند، در تمام نقاط عالم جریان دارد و بشریت در امتداد تاریخ با دیدن ناملایمات و فشارهای گوناگون

۱. «السلام علی المهدی الذی وعدالله به الأمم أن یجمع به الکلم و یلمّ به الشعب و یملأ الأرض قسطاً و عدلاً و یمکن له و ینجز به وعد المؤمنین...» (مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر(ع)).

به یک منجی که جریان تاریخ را عوض کند و دولت جهانی حق را پایه‌ریزی نماید، باور دارد و معتقد است که با ظهور او تمام تبعیضها و ستمها ریزش خواهد کرد. چنین تعابیر و باورهایی به رغم تفاوت‌های خاص خود، در تأکید بر ظهور یک منجی، جهت‌گشودن راه جدیدی، فراروی انسان در جهت نیل به سعادت ابدی، همگرایی دارند و از همین‌روست که مهدویت و منجی‌گرایی دغدغه تمامی انسانها از در دورانهای مختلف تاریخی بوده است و در روزگار ما نیز که انسان معاصر دچار بی‌عدالتی‌ها و ظلم در عرصه جهانی است، این مسأله بیشتر حایز اهمیت است. در همین راستا نوشتار حاضر بر آن است که ضمن بررسی دیدگاه شیعه درباره جهانی شدن و حاکمان حکومت جهانی، فلسفه ضرورت قیام مهدی موعود را از منظر تشیع تبیین نماید.

اجتماعی و فرهنگی سایه افکننده است، از بین می‌رود. واژه «جهانی شدن» که حرکت به سوی یک جامعه جهانی واحد را نوید می‌دهد، با رشد تکنولوژی و ارتباطات همراه بوده که آن نیز به نوبه خود موجب فشردگی زمان و مکان، همجواری مجازی، توسعه مناسبات اجتماعی ملتها با وجود بُعد مسافت بین آنها، کوچک شدن جهان و در نهایت به

جهانی شدن^(۱) و قرائتهای مختلف از آن

مفهوم جهانی شدن و مفاهیم نزدیک به آن نظریاتی هستند که از سوی اکثر پژوهشگران مسائل سیاسی و امور بین‌الملل برای توصیف وضعیت حاکم بر نظام بین‌الملل به کار می‌روند. عده کثیری از صاحب‌نظران، جهانی شدن را به معنای فرایندی اجتماعی می‌دانند که از مدتها پیش آغاز شده و روبه‌گسترش دارد و در آن، قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط

همگانی کردن لیبرالیسم، اومانیزم و سکولاریسم بوده و می‌خواهد جدایی دین از عرصه‌های اجتماعی را به جای نظام عدالت‌محوری به جهان عرضه کند.^(۲)

واضح است که حکومت جهانی مهدی موعود علیه السلام نیز از آنجایی که با هدف تحقق عدالتی همه‌گیر و جهانی و در ادامه و تکمیل رسالت انبیا تحقق می‌یابد، نمی‌تواند به معنی سیطره‌ای جبرگرایانه و ظالمانه بر جهان باشد.

اما به‌طور کلی دیدگاه‌های مختلف در مورد پدیده جهانی شدن را می‌توان در دو دیدگاه زیر خلاصه نمود: عده‌ای جهانی شدن (به معنای جهانی‌سازی) را امری جبری دانسته و اظهار می‌دارند که این پدیده به اقتضای تحولات اقتصادی، سیاسی، علمی و گسترش ارتباطات در عصر حاضر رخ

تعبیر مارشال «مک‌لوهان»، پیدایش «دهکده جهانی» می‌گردد. از سوی دیگر دیدگاه‌هایی نیز وجود دارند که جهانی شدن را به مثابه یک پروژه غربی یا غربی‌سازی جهان و یا امریکایی‌سازی جهان می‌دانند و از همین روست که پدیده جهانی شدن، خود در معرض چالشها و انتقادهای جدی است و مردمان بسیاری از کشورها به دلیل تبعات منفی این پدیده در تحمیل و گسترش عرصه استعماری صاحبان قدرت و سرمایه در ابعاد اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هر روز به اعتراض در برابر آن بر می‌خیزند.^(۱)

از دیدگاه این گروه، جهانی شدن به معنی سلطه استعماری استعمارگران، در واقع به معنای «جهانی‌سازی» است که با طرحی از پیش تعیین شده توسط مستکبران جهانی تبلیغ می‌شود، بدینگونه که عده‌ای می‌خواهند فرهنگ سیاسی و اندیشه خود را در جهان پیاده سازند، بدیهی است که اینگونه «جهانی‌سازی» به معنای گسترش و

۱. بهروز لک، غلامرضا، مهدویت و جهانی شدن، سایت آینده روشن.
۲. خسروپناه، همان.

واقعیت، گفتگوی میان تمدنها، تفاهم فرهنگی و دستیابی به ارزشهای مشترک، احترام متقابل، مشارکت بین‌المللی و نیز شکیبایی را توصیه می‌نمایند، به اعتقاد این گروه، فرهنگ جهانی نمی‌تواند فرهنگهای دیگر را در خود حل و هضم نماید و اگر فرهنگی در حال افول است، علت آن به ضعف درونی آن فرهنگ مربوط است و نه به ظهور یک فرهنگ جهانی^(۱).

کدام یک از دو دیدگاه موجود، مبتنی بر اصل عدالت‌محوری اسلامی است؟

در اهمیت مقوله عدالت از منظر قرآن همین بس که کلمه عدل که به معنای میزان، برابری، داد و دادگری است، در قرآن کریم بیست و هفت بار^(۲) و کلمه

نموده است. از آنجایی که بر پایه چنین دیدگاه جبرگرایانه، جهان سرانجام دارای فرهنگ یکسانی خواهد شد باید پذیرفت که فرهنگی خاص سلطه خود را بر اخلاق، هنر، اقتصاد، سیاست و نیز رفتارهای فردی و جمعی انسانها اعمال خواهد نمود. بنابراین تمامی جوامع انسانی حتی به بهای از دست دادن سرمایه‌های ارزشمند فرهنگی خود ناچار به هماهنگی با جریان جهانی شدن می‌باشند.

از سوی دیگر مخالفان این دیدگاه سلطه‌جویانه، بر این باورند که جهانی شدن به معنی سیطره یک فرهنگ خاص بر جهان نیست، بلکه از آنجایی که انسانها همگی اعضای جامعه جهانی هستند، باید با هم به مسائلی که جامعه جهانی با آن دست به گریبان است، بسیندیشند و برای رفع تنگناها و دشواریهایی که جامعه بشریت با آن روبه‌روست، همکاری کنند. اینان ضمن قبول کثرت‌گرایی فرهنگی به عنوان یک

۱. عالی، مرضیه، مقاله تبیین و ارزیابی فرصتها و تهدیدهای ناشی از جهانی شدن برای نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، وبلاگ مدیریت آینده، به نقل از محسن پور.

۲. سید جمال‌الدین موسوی، عدالت اجتماعی در

نموده^(۴) و می‌فرماید: ما هیچ آبادی را نابود و مملکتی را مستقرض ننمودیم مگر آنکه مردم آن در مقام تجاوز و تعدی به حقوق یکدیگر برآمدند که نتیجه آن بر باد رفتن اساس آن ملت و حیات آن امت بود^(۵).

از سوی دیگر ناگفته پیداست که یکی از تبعات و پیامدهای مهم تبعیضهای ناروا، ایجاد حس حسد، کینه، دشمنی و عداوت در کسانی است که مورد ظلم قرار گرفته‌اند و پیدایش صفاتی چون استقامت نداشتن و بیحوصلگی در کار و اسراف و تبذیر در کسانی است که بلاجهت و بدون وجود شایستگی و توانایی از موقعیت و منصب و امکانات بیشتری برخوردار گشته‌اند و شاید از همین روست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

قسط که مترادف آن می‌باشد، بیست و سه بار^(۱) که از جمله این آیات است: «اعدلوا هو أقرب للتقوی»^(۲)، عدالت را اجرا کنید، که نزدیکترین راه دست یافتن به تقوی، اجرای عدالت است. و «ان الله یامر بالعدل و

همه ادیان جهان به گونه‌ای معتقدند که هرگاه بشر به لحاظ معنوی و اخلاقی پا در انحطاط و ورطه هلاک گذارد و از مبدأ هستی فاصله گیرد و جهان را تاریکی جهل، غفلت و ستم دربرگیرد، شخصیتی نجات‌دهنده ظهور خواهد کرد و در هر آیینی، به صورت رمز به حقایق اشاره شده که با معتقدات آیین‌های دیگری توافق و هماهنگی دارد

الإحسان»^(۳) «خداوند به حتم به اجرای عدالت و نشر عدالت و نشر احسان امر می‌کند».

همچنین در قرآن کریم خداوند یکی از دلایل انقراض بعضی از امم را بی‌عدالتی و ظلم مردمان آن معرفی

اسلام.

۱. الحیة، ج ۶، ص ۵۷۲.

۲. مائده: ۸. ۳. نحل: ۹۰.

۳. «و ما کنا نهلک الفئری الا و اهلها ظالمون» (سوره قصص، آیه ۵۹).

۵. رسول‌زاده خوبی، سید اسماعیل، حکومت عدالتخواهی علی بن ابی طالب، ص ۲۵.

در فرازهایی از یکی از دعا‌های خود می‌فرماید: «خدایا انتقام ما را نسبت به کسانی قرار بده که به ما ظلم کردند»^(۱).

شهید مطهری در تفسیر این دعا می‌نویسد رسول خدا نفرمود که خدایا از ستم‌کنندگان بر ما انتقام، بلکه فرمودند خدایا حس انتقام‌جویی ما را نسبت به کسانی قرار بده که بر ما ظلم روا داشتند به طوری که بتوانیم دشمن را سرکوب کنیم و در اعماق روح ما در اثر بی‌عدالتیها و مظلومیتها و ناتوانیهای که به‌ناحق به ما تحمیل شده، عقده‌هایی ایجاد نگردد که باعث آزرده و عاصی و سرکش و بدخواه شدن روحمان گردد تا از ظلم و لگدمال کردن حقوق مردم لذت ببریم^(۲).

از جمله مسائلی که در نهج‌البلاغه نیز فراوان از آن صحبت شده است، مسائل مربوط به عدالت است. به عنوان نمونه از سخنان حضرت علی علیه السلام است که می‌فرماید: «بهترین سیاستها عدل است»^(۳). «اصلاح امور مردم شما در

عدل‌گروی عدل و داد است»^(۴).
«دادگستری بالاترین داراییها»^(۵).
«عدالت نگهدارنده ملت»^(۶) است.

اما نکته‌ای که بایستی مورد توجه و دقت قرار گیرد، آن است که معنای واقعی تبعیض و تفاوت ناروا آن است که از نظر امکانات و شرایط عمل، همه یکسان نباشند، برای یکی امکان بالا رفتن از نردبان ترقی موجود باشد و دیگری محکوم باشد به پایین ماندن، با این توصیف مفهوم عدالت و مساوات این خواهد بود که امکانات مساوی برای همه افراد فراهم گردد، به طوری که زمینه و میدان برای همه به طور مساوی فراهم باشد تا هرکس بتواند در پرتو استعدادها، قابلیتها و تواناییهای خود، به کمال مطلوب خود نائل گردد. پس لازمه

۱. «واجعل نارنا علی من ظلمنا».

۲. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، صص ۷۲ و ۷۳.

۳. خیرالسیاست العدل.

۴. فی العدل اصلاح البریه.

۵. العدل اغنی الفنی.

۶. العدل قوام الرعیة.

برقراری عدالت با این مفهوم محو و نابود شدن تمامی تبعیضها و ناهمواریها و پستی و بلندیهای است که منشأ آنها ظلم و زور و یا سنتها و عدالت نادرست است و به وجود آمدن جامعه‌ای است که مطابق با دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از نظر دسترسی به امکانات مانند دندان‌های شانه، هم‌تراز و مساوی باشند^(۱). با این توضیح معلوم می‌گردد که یکی از شروط مهم برقراری عدالت، محفوظ ماندن آن دسته از اختلافها و تفاوتهاست که منشأ آنها میزان استعدادها و کارایی و تلاش و فعالیت افراد است^(۲). چرا که مقتضای عدالت آن است که تفاوتی که خواه ناخواه در اجتماع وجود دارد، تابع استعدادها و لیاقتها باشد و نه اینکه در یک مسابقه یا امتحان به همه یک‌جور نمره داده شود (و یا سعی در یکسان نمودن جبری همگان بدون توجه به تفاوت‌های فردی آنان گردد)، که اینها نیز خود نوعی ظلم است^(۳)، چرا که اصولاً قابلیت‌ها، استعدادها، علائق و توانمندیهای همه انسانها یکسان نبوده و

از سوی دیگر به مصداق آیاتی چون «قل هل یتوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» کسانی که می‌دانند و تلاش می‌کنند با دیگران برابر و یکسان نیستند و بنابراین نمی‌توان با ادعای برقراری عدالت و مساوات، انسانها را به مثابه کالاهای تولیدی یک کارخانه صنعتی یکسان و یک‌شکل نمود، به یک چشم دید و یکسان ارزشیابی کرد.

بنابراین با توجه به آنچه گفته شد نیز به نظر می‌رسد که جهانی شدن به معنای تسلط و استیلای فرهنگی و سیاسی و اقتصادی عده‌ای بر کل جهان و یکسان‌سازی کلیه فرهنگها، قومیتها و انسانها، هیچگونه همگرایی با اصل عدالت‌محوری ندارد و مقاومت در برابر پذیرش چنین دیدگاهی طبیعی است زیرا که دستاوردها، فرهنگ و داراییهای هر قومیت و ملتی سرمایه و میراث جمعی آن می‌باشد و بنابراین نباید به آسانی

۱. «الناس کأستان المشط» (نهج البلاغه).

۲. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، ص ۱۰۰.

۳. مطهری، همان، ص ۸۹.

از منظر شیعه در دوران رهبری امام مهدی(ع) با ایجاد مرکزیت واحد و

همگام با تحولات ایجاد شده در عصر حاضر سخن گفتن و پرداختن به مقوله پدیده جهانی شدن، چگونگی آینده جهان و جهان آینده، دغدغه بسیاری از متفکران روزگار کنونی ماست دو دیدگاه کلی درباره پدیده جهانی شدن، معرفی گشته و با استناد به آموزه‌های مذهبی دین اسلام و دلایل عقلی و منطقی دیگر، نظریه جهانی شدن به معنای استیلائی ستمگرانه یک فرهنگ و سیاست غالب بر کل جهان مردود است

مدیریت و حاکمیتی یگانه در جهان عوامل اصلی تضاد و جنگ و ظلم نابود می‌شود. ظهور موعود از ضروریات اسلام است و هیچ تردیدی در وقوع آن نیست چرا که آیات متعددی در قرآن

مورد بی‌توجهی قرار گرفته و نابود گردد و اصولاً شاید از همین روست که خداوند در قرآن کریم نیز به دفعات، اراده و مشیت خود را بر وجود اقوام و ملل مختلف و متفاوت - و نه یک قوم واحد - اعلام نموده است^(۱).

بنابراین ناگفته پیداست که از میان دو دیدگاه کلی موجود درباره پدیده جهانی شدن، دیدگاه دوم به دلیل حالت غیرانفعالی و توانایی و حق انتخابی که در فرایند جهانی شدن برای جوامع انسانی در جهان و حل مسائل و مشکلات یکدیگر قابل پذیرش است. و باز واضح است که حکومت جهانی مهدی موعود^(عج) نیز از آنجایی که با هدف تحقق عدالتی همه‌گیر و جهانی و در ادامه و تکمیل رسالت انبیا تحقق می‌یابد، نمی‌تواند به معنی سیطره‌ای جبرگرایانه و ظالمانه بر جهان باشد.

جهانی شدن مهدوی و فلسفه آن از دیدگاه شیعه

۱. «و لو شاء ربك لَجعل الناس امة واحدة و لا يزالون مختلفين» (سوره هود، آیه ۱۱۸). و آیه ۹۳ سوره نحل نیز درباره همین موضوع می‌باشد

کریم مبنی بر وعده خداوند به اقتدار بخشیدن به مستضعفان جهان و قرار گرفتن مشیت الهی بر تشکیل حکومت نهایی و جهانی صالحان و پیشوایی و فرمانروایی ایشان وجود دارد که بدون تصور منجی موعود تحقق آن بعید می‌نماید. از جمله این آیات عبارتند از:

«وَأُتْرِكَ أَنْ نَمُتَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ...»^(۱)

«و ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنها را پیشوایان مردم قرار دهیم و ایشان را وارث فرمانروایی کنیم * و در زمین قدرشان بخشیم...»

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^(۲). «و در حقیقت در زبور پس از تسورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.»

در همین راستا روایات متعدد و متواتری نیز از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام - که مفسران واقعی

قرآنند - نقل شده است که به تفصیل پیامون این طرح قرآنی سخن گفته‌اند. به عنوان نمونه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «سوگند به آنکه مرا به حق به پیامبری برانگیخت اگر از دنیا جز یک روز نماند، آن روز را خداوند می‌گسترد تا فرزندم مهدی قیام کند تا پهنه زمین به نور او روشن گردد و حکومت او شرق و غرب کیتی را فراگیرد»^(۳).

همچنین از فرمایشات امیرالمؤمنین است که فرموده‌اند «به اهل بیت پیامبرتان بنگرید اگر آرام گرفتند، شما نیز آرام بگیرید و اگر شما را به یاری طلبیدند، یاریشان کنید که خداوند به طور حتم مردی از ما اهل بیت را (برای نابودی ستمگران) مأمور به قیام می‌کند»^(۴).

امام حسین علیه السلام هم در این باره فرموده‌اند: «دوازده هدایت شده از ماست، اولین آنها علی بن ابی طالب علیه السلام و آخر

۱. سوره قصص: ۵ و ۶.

۲. انبیاء: ۱۰۵.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۷۷ - بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۲۳۸، چاپ بیروت.

۴. مجتهدی سیستمی، صحیفه مهدویت، نشر حاذق، قم، ص ۱۰۳.

براساس اعتقادات شیعه در دوران ظهور حضرت مهدی (ع) هر دوی این موانع به دست با کفایت آن حضرت و یارانش برداشته شده و با تصفیة اجتماعات بشری از عوامل سلطه و استکبار مالی و سیاسی، عامل قدرتمند مرکزی ایجاد گشته و در پرتو آن، راه بشریت به سوی زندگی سعادت‌مندانه و عادلانه هموار می‌گردد.^(۳)

از سوی دیگر از منظر شیعه، حکومت مهدی (عج) که حکومتی جهانی است، فلسفه‌ای جهانی هم دارد که همان فلسفه بعثت انبیا است، چرا که طبق آیات متعددی از قرآن کریم فلسفه مهم بعثت، توحید و عدالت اجتماعی معرفی شده و مهم‌ترین ضرورت قیام موعود جهانی نیز پرکردن زمین از عدل و قسط است.

ایشان نهمین فرزند از فرزندان من است و او قائم به حق است که خداوند به وسیله او زمین را بعد از مردنش زنده می‌کند و دین حق را بر تمامی ادیان غلبه می‌دهد^(۱).

امام رضا علیه السلام نیز از پدراننش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که خداوند در شب معراج فرمود: «بی تردید زمین را به وسیله آخرین آنها (ائمه معصومین علیهم السلام)، از دشمنانم پاک خواهم ساخت و گستره زمین را در فرمانروایی او قرار خواهم داد...»^(۲).

آری، در دوران رهبری امام مهدی علیه السلام با ایجاد مرکزیت واحد و مدیریت و حاکمیت یگانه و عدالت‌محور برای همه اجتماعات و نژادها و منطقه‌ها، عوامل اصلی جنگ و ظلم نابود می‌شود. هرچند بر سر راه تحقق این آرمان عظیم دو مانع مهم سلطه و استکبار جهانی از یک سو و ناآگاهی و عقب‌ماندگی فرهنگی عده‌ای دیگر - که به همین دلیل در مسیر غرضها و خودکامگیهای مستکبران قرار گرفته‌اند - از سوی دیگر، وجود دارند با این حال

۱. الهامی‌نیا، علی اصغر، نهضت انتظار و انقلاب اسلامی، ص ۳۰.
 ۲. سلیمان، خدامراد، حکومت جهانی حضرت مهدی (ع).
 ۳. حکیمی محمد رضا، عصر زندگی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، ص ۱۶۳.

نتیجه‌گیری

همه ادیان جهان به گونه‌ای معتقدند که هرگاه بشر به لحاظ معنوی و اخلاقی پا در انحطاط و ورطه هلاک گذارد و از مبدأ هستی فاصله گیرد و جهان را تاریکی جهل، غفلت و ستم دربرگیرد، شخصیتی نجات‌دهنده ظهور خواهد کرد و در هر آیینی، به صورت رمز به حقایقی اشاره شده که با معتقدات آیین‌های دیگری توافق و هماهنگی دارد^(۱).

همچنان که یهود بدان ایمان آورده و مسیحیت به برگشت عیسی معتقد است، زرتشتیان به آمدن بهرام و هندوان به رسیدن ویشنو و بودائیان به ظهور بودا و حتی مغول برای ظهور دیگر باره چنگیز به انتظارند.

از سوی دیگر همگام با تحولات ایجاد شده در عصر حاضر سخن گفتن و پرداختن به مقوله پدیده جهانی شدن، چگونگی آینده جهان و جهان آینده، دغدغه بسیاری از متفکران روزگار کنونی ماست. دو دیدگاه کلی درباره پدیده جهانی شدن، معرفی گشته و با استناد به آموزه‌های مذهبی دین اسلام و دلایل عقلی و منطقی

دیگر، نظریه جهانی شدن به معنای استیلای ستمگرانه یک فرهنگ و سیاست غالب بر کل جهان مردود است. از سوی دیگر از آنچه گفته شد، می‌توان چنین استنباط نمود که جهانی شدن مهدوی اختصاص به تشیع نداشته و هر عقل سلیم و هر فطرت پاک و جان آزاده‌ای می‌تواند حلاوت و زیبایی باور و ایمان به پدیده جهانی شدن به شیوه مهدوی را به دلایل متعددی از جمله تحقق وعده‌های الهی و تأیید رحمانیت خداوند، همگرایی و پیروی از فلسفه انبیاء، همسویی با اصل عدالت‌محوری، ایجاد نشاط و روحیه امید به فرجام نیکوی جهان در جوامع انسانی و به وجود آوردن حالت انتظاری پویا و سازنده در جهت ایجاد آمادگی برای حضور در عصر ظهور، مطابقت داشتن با فطرت انسانی و... را با تمام وجود احساس نموده و از منتظران واقعی آن منجی بزرگ عالم بشریت گردد.

۱. سبهری، محمد، نجات‌بخشی در آیین زردشت.